

توسعه یکپارچه نواحی روستایی و شهری؛ رویکردی فضایی و استراتژیک در نظام برنامه ریزی سکونتگاهی

محمد رضا پورمحمدی^۱، علی طورانی^۲، معصومه حسینلو^۳

چکیده

نواحی روستایی و شهری به طور عمده به عنوان دو مجموعه سکونتگاه جدا و رقیب تلقی می گردند و بدینسان نوعی برنامه ریزی مجزا و تفکیک شده که یکپارچگی عرصه های فضایی را نادیده می گیرد، رایج می گردد. در حالی که شهر و روستا در گهواره ناحیه همزیست و هم بسترنند، بطوریکه بین آنها روابط و تعاملات گوناگون و پیوسته ای وجود دارد. از این رو دیگر نمی توان مناطق روستایی و شهری را در مطالعات و برنامه ریزی ها به صورت جداگانه و منفک مورد بررسی قرار داد. بر همین اساس، پژوهش حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه ای به بررسی توسعه یکپارچه نواحی روستایی و شهری پرداخته و آن را به عنوان رویکردی فضایی و استراتژیک در نظام برنامه ریزی سکونتگاهی پیشنهاد نموده است. رویکردی که خالی از تعصبات شهری و روستایی رایج در برنامه ریزی، سکونتگاههای انسانی را به صورت یک کل واحد و به عنوان یک نظام فضایی یکپارچه در نظر می گیرد.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی فضایی، نواحی شهری و روستایی، توسعه یکپارچه، پیوندهای روستاشهری.

۱. استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز a.tourani@tabrizu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

دسترسی به توسعه ملی و منطقه ای آرمان بزرگ هر ملتی می باشد و تحقق این مهم مستلزم آن است که برنامه ریزان و سیاست گذاران با شناخت دقیق از وضعیت کشور و منطقه، بهترین الگوها را برای تعیین مسیر توسعه انتخاب کنند (پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۹: ۳). ارتباط تنگاتنگ مقوله توسعه با فضا آنقدر آشکار است که نیاز به تکرار دوباره آن نمی باشد. با این حال جایگاه شایسته آن در مطالعات و نظام برنامه ریزی سکونتگاهی به خوبی تبیین نشده است. این واقعیت نه تنها برنامه ریزان را از شناخت و شناسایی ابعاد فضایی دور می کند، بلکه به ناکافی بودن مطالعات و نارسایی برنامه ها نیز می افزاید. بدینسان برنامه ریزی فضایی و راهبردهای فضایی، مورد عنایت اندک قرار گرفته و نوعی برنامه ریزی مجزا و تفکیک شده که یکپارچگی عرصه های فضایی را نادیده می گیرد، حاصل می گردد. بدان علت در مطالعات عمرانی سرزمین، به سکونتگاههای انسانی، چه محیط های شهری و چه محیط های روستایی، به مثابه مراکز جمعیتی مجزا و منفرد نگاه می شود. یعنی غلبه نوعی نگرش محض نقطه ای، به دور از هرگونه دیدگاه فضایی (سعیدی، ۱۳۸۹، ۵). در حالی که در راهبرد جدید بانک جهانی، ارتباط جدایی ناپذیر نواحی شهری و روستایی در فرایند توسعه به خوبی مورد توجه قرار گرفته است (بانک جهانی، ۱۳۸۴: ۱۴). در این زمینه سیسیلیا تاکولی (۱۹۹۸) اشاره داشته است که نرخ نسبتاً بالای خطا در راهبردهای مجزانگر در اغلب موارد به سبب ناآگاهی و بی توجهی به درهم آمیختگی روابط متعامل روستایی- شهری است که هم مستلزم ابعاد مکانی- فضایی است و هم مستلزم ابعاد بخشی است. بدیهی است که تاکید بر یکپارچگی نگرش توأمان به مقوله توسعه شهر و روستا به معنای یکسان شمردن وضعیت این دو گونه از سکونتگاه نمی باشد، بلکه پافشاری بر این واقعیت است که در عرصه های فضایی تعامل شهر و روستا و پیوندهای مابین آنها در هر گونه ارزیابی و برنامه ریزی فضایی نایستی نادیده انگاشته شود. به طور کلی، آنچه در رویکردهای توسعه شهری و روستایی به ویژه در نظام برنامه ریزی سکونتگاهی در کشور ما، به وجه

غالب مورد تاکید و پیگیری است، اساساً بر نگرشی مجرد و تفکیک شده استوار است؛ حال آنکه قاعدتاً نه محیط، نه فضا و نه توسعه در عرصه های عینی قابل تفکیک نیستند (سعیدی، ۱۳۸۹، ۱۰). بر این مبنا، درک یکپارچگی فضایی محیط های روستایی و شهری و شناخت صحیح روابط جاری میان آنها می تواند به کوشش برای تغییرات ساختاری - عملکردی مطلوب در نظام فضایی ناحیه یاری رساند و بی توجهی به این مهم، مسلماً به تعمیق بیشتر نابرابری ها میان کانون های شهری و روستای و ناپایداری فضایی در عرصه ناحیه خواهد انجامید (سعیدی، ۱۳۸۷: ۳۹۶).

با این وجود، مشکل اساسی هنوز این است که نه تنها ادبیات لازم و مناسب به اندازه کافی در دسترس نیست، بلکه باور اهمیت این مقولات نزد کارشناسان و پژوهشگران و هم در بین تصمیم سازان و برنامه ریزان مفقود است. علاوه بر این، هنوز مفاهیم مرتبط به درستی و براساس مراجع دست اول به نحوی که بتواند لااقل بین کارشناسان متعلق به یک انضباط علمی معین، قبول نسبتاً عام پیدا کند، مورد کنکاش و تبیین قرار نگرفته است (سعیدی، حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۱۱). بر این اساس تحقیق حاضر در صدد آن است که توسعه یکپارچه نواحی روستایی و شهری را به عنوان رویکردی فضایی و استراتژیک در نظام برنامه ریزی سکونتگاهی مورد معرفی، مطالعه و بررسی قرار دهد. از این رو روش تحقیق مورد استفاده توصیفی - تحلیلی می باشد و اطلاعات مورد نیاز تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه ای و اسنادی جمع آوری شده است.

برنامه ریزی و برنامه ریزی استراتژیک

از برنامه ریزی تعاریف متعددی ارائه شده است. از لحاظ علوم سیستمی برنامه ریزی، فعالیتی است که با اداره و کنترل یک سیستم آن را به سوی هدفهای هماهنگ در رابطه با نظام ارزشی جامعه هدایت می کند. در این ارتباط پورویت معتقد است که برنامه ریزی مجموعه اقداماتی است که برای رسیدن به اهداف معینی انجام می گیرد. فریدمن، برنامه ریزی را نوعی تفکر درباره مسائل اجتماعی، اقتصادی تعریف نموده که

جهت گیری و آینده نگری به صورت عملی در روابط، اهداف و تصمیمات همه جانبه دارا بوده و به شدت در زمینه خط مشی و برنامه از جامعیت برخوردار باشد (زیاری، ۱۳۸۹: ۱۰). به طور کلی می توان گفت که برنامه ریزی فرایندی با مراحل مشخص و به هم پیوسته به منظور تولید یک خروجی منسجم در قالب سیستم هماهنگ از تصمیمات است. بیشتر برنامه ریزی ها بر اساس رویکرد عقلایی، دارای آرمان ها و اهداف، طرح ها و اقدامات و منابع مورد نیاز هستند که ابتدا اهداف سازمان تبیین شده، سپس طرح ها و اقدامات لازم تعیین شده و در نهایت منابع مورد نیاز برآورد شده و برنامه اجرا می شود. اما تحولاتی که در دهه های اخیر رخ داد، همانند تغییر در شکل بندی های اقتصادی و اجتماعی، توسعه فن آوره های جدید، تغییر محیط سیاسی و مولفه های قدرت، تغییر در ساختار سازمان ها، پاسخ گویی و ارائه خدمت به نیازهای جدید و... سبب شده برنامه ریزی به مفهوم آنچه در بالا تعریف شد، ظرفیت و توانایی مقابله با چنین تغییراتی را نداشته باشد که این مسائل زمینه ساز ابداع برنامه ریزی استراتژیک گردد. چرا که سازمانها می بایست جهت حرکت خود را بر اساس تغییرات بوجود آمده تغییر و تنظیم نمایند و این برنامه ریزی استراتژیک است که موجب بهبود عملکرد و پاسخ گویی به نیازهای محیط در حال تغییر سازمان می گردد (نجف بیگی، ۱۳۸۵: ۱۱۳). در سالهای اخیر توجه روزافزونی نسبت به برنامه ریزی استراتژیک به عمل آمده و تنها راه اثر بخشی مدیران، در بهره گیری از این شیوه برنامه ریزی جست و جو شده است. برنامه ریزی استراتژیک قبل از این که یک تکنیک و فن باشد، یک نحوه تلقی و یک باور است که مدیران را به تفکر دراز مدت و آینده نگری و پیش بینی افق های دوردست، ترغیب می کند. نویسندگان و اندیشمندان مدیریت، هر یک تعریف خاصی از این نوع برنامه ریزی ارائه داده اند که شاید بتوان همه آنها را در این تعریف خلاصه کرد که برنامه ریزی استراتژیک فرایندی است جهت تجهیز منابع سازمان و وحدت بخشیدن به تلاش های آن برای نیل به اهداف و رسالت های بلند مدت، با توجه به

امکانات و محدودیت های درونی و بیرونی (الوانی، ۱۳۸۵، ۵۳). از جمله مهمترین دلایل به کارگیری برنامه ریزی استراتژیک می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- با اهداف عینی و غایی سیستم سازگار است؛
- ۲- آینده را در نظر می گیرد؛
- ۳- با نیروهای غیر قابل کنترلی که در عملکرد سیستم درگیرند، شدیداً در ارتباط است (فرودی و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۳۸).

برایسن برنامه ریزی استراتژیک را تلاشی سازمان یافته و منظم برای اتخاذ تصمیمات بنیادی و انجام دادن اقداماتی اجرایی و نظارت بر آن تعریف می کند (مرادی مسیحی، ۱۳۸۴: ۵۸). فرایند برنامه ریزی استراتژیک با تصمیم گیری در خصوص یک برنامه ریزی استراتژیک و با اتفاق نظر اولیه در میان تصمیم سازان آغاز می گردد. در مرحله دوم، تیم برنامه ریزی استراتژیک، زمینه تاریخی، موقعیت کنونی و چشم انداز آتی محدوده جغرافیایی مورد مطالعه را مشخص می کنند و اهداف کلان جهت هدایت فرایند برنامه ریزی استراتژیک تعیین می گردد. در مرحله سوم اهداف مشخص تر بر اساس تحلیل های داخلی و خارجی صورت می پذیرد. زمانی که اهداف کلان و اجرایی تعیین و متغیرهای مهم شناسایی شدند، در مرحله بعد گروه برنامه ریزی استراتژیک بایستی به دقت روشن نماید که چگونه می توان به اهداف کلان و اجرایی دست یافت و با هر یک از موضوعات استراتژیک در دستور کار، بر حسب الویت، چگونه می توان مواجه شد. مرحله پنجم مرحله ارزیابی و انتخاب گزینه برتر است (نسترن و هوشمند فر، ۱۳۸۹، ۶۳). بنابراین یک اقدام کلیدی در برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک تقسیم وظایف برنامه ریزی به دو مرحله اساسی است که یک فرایند واحد را تشکیل می دهد:

مرحله اول: برنامه ریزی راهبردی شامل تصمیم سازی و سیاستگذاری

مرحله دوم: برنامه‌ریزی اجرایی شامل اجرای تصمیمات، اصلاح و نظارت (مهدیزاده، ۱۳۸۵: ۱۶۶).

در برنامه‌ریزی استراتژیک، مرحله اجرا پیوندی ناگسستنی با مرحله تولید برنامه دارد و هرگز برنامه در مرحله تولید و بدون توجه به مراحل اجرایی ثابت فرض نمی‌شود و همواره پویایی و انعطاف از اصول اساسی این نوع برنامه‌ریزی است (ملک افضلی، ۱۳۸۲: ۱۹۱).

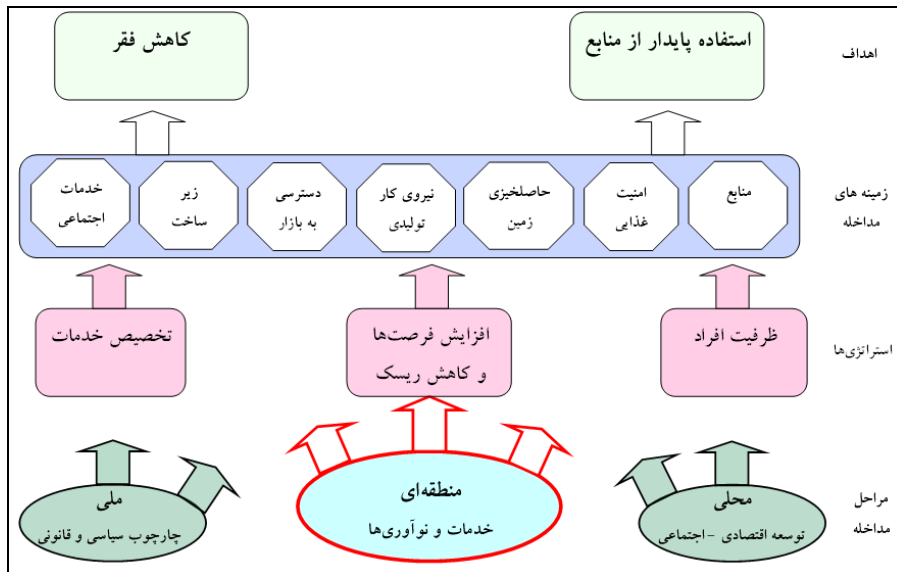
فضا و برنامه ریزی استراتژیک فضایی

فضا عینیتی حاصل از نقش‌پذیری و اثرگذاری افراد و گروه‌های انسانی در مکان و یا به عبارت دیگر، پیامد عملکردهای متعامل دو محیط طبیعی-اکولوژیک و اجتماعی-اقتصادی است. از این رو فضا را می‌توان نوعی تولید اجتماعی در مکان به شمار آورد. از آنجا که فضا متشکل از اجزای مرتبط است، می‌توان آن را یک نظام (سیستم) به شمار آورد و چون این نظام واقعی مکانی-فضایی است می‌توان از آن به عنوان نظام مکانی-فضایی یاد کرد (صدوق و سعیدی، ۱۳۸۵: ۹). از آنجا که از مهمترین اجزای تشکیل دهنده هر نظام، ساختار و کارکرد آن است، در بحث از نظام‌های مکانی-فضایی، انواع ساختارها (ساختار محیطی، اجتماعی، اقتصادی و...) و کارکردها (کارکردهای محیطی، اجتماعی، اقتصادی و...) مطرح می‌شوند. به این ترتیب ساختار فضایی شامل ابعاد بسترساز روابط و مناسبات اجتماعی-اقتصادی است و می‌تواند به مثابه غالب فعالیت‌ها و روابط حاکم بر آنها در نظر گرفته شود. در مقابل، کارکرد یا عملکرد فضایی مجموعه فعالیت و روابط حاکم بر آنها را شامل می‌شود که به واسطه ساختارهای موجود امکان تحقیق می‌یابند. به سخن دیگر، هر کارکردی نیازمند ساختارهای مناسب خود است و بالعکس. در همین ارتباط عنصر اصلی در تحولات فضا، قابلیت‌های محیط فرهنگی (به مفهوم عام) و عوامل و نیروهای مادی و معنوی دخیل در آن مانند نظام مدیریت و برنامه ریزی است (سعیدی، ۱۳۹۰، ۱۲).

بررسی و برنامه ریزی فضا پیوسته بر مبنای مقیاس معین به انجام می رسد. از این رو نظامهای فضایی در مقیاس های کلان (جهانی، کشوری و یا منطقه ای)، مقیاس متوسط (ناحیه ای، محلی، شهری یا روستایی) و مقیاس کوچک (دهکده، مزرعه، محله و...) مورد مطالعه و شناخت قرار می گیرد (صدوق و سعیدی، ۱۳۸۵: ۹). یک فضای جغرافیایی، پهنه ای قابل برنامه ریزی و آمایش است و یا به عبارتی حجمی مکانی- زمانی در ابعاد مرئی و غیر مرئی است که همه وجوه طبیعی، اجتماعی و اقتصادی و... را در بر می گیرد. بعد مرئی یا قابل رویت فضا، سیما، منظره و یا چشم اندازی است که در طول زمان شکل گرفته است. در حالی که ایدئولوژی، فرهنگ، نوع و نحوه تعاملات اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، هویت تاریخی و... به منزله ابعاد نامرئی فضا و روح حاکم بر سیمای آن تلقی می گردد (تقوایی و غفاری، ۱۳۸۹، ۸۱). در زمینه برنامه ریزی فضایی تعاریف متعددی آورده شده است. موسسه برنامه ریزی شهری پادشاهی بریتانیا دو تعریف از برنامه ریزی فضایی ارائه داده است که اولین تعریف این است که برنامه ریزی فضایی یک تفکر انتقادی در زمینه مکان و فضاست که مبتنی بر عمل و مداخله می باشد، اما تعریف دوم که کمی ساده تر می باشد برنامه ریزی فضایی را ساختن فضا و مکان میانجی می داند (RPTI: 2001, 358).

به طور کلی برنامه ریزی فضایی عبارت است از، نحوه توزیع و سازمان یابی انسان و فعالیت ها در پهنه سرزمین. برنامه ریزی فضایی روندی است برای بهره‌ورسازی و آرایش منطقی، حفظ تعادل هماهنگی جمعیت و تأسیسات اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده در فضای ملی، منطقه ای و محلی (معصومی اشکوری، ۱۳۸۸، ۴۹). تفاوت بین برنامه ریزی فضایی و برنامه ریزی فیزیکی توجه به مسئله جمعیت و اشتغال در برنامه ریزی فضایی است و تفاوت بین برنامه ریزی فضایی و برنامه ریزی بخشی پرداختن به مسئله مکان و حرکات محیطی در برنامه ریزی فضایی است. در برنامه ریزی فضایی، فضا حجم زمانی و مکانی مجموعه فعالیت هایی است که انسان در طبیعت انجام می دهد. به عبارت دیگر فضا مجموعه ای از روابط بین انسان، محیط و فعالیت است. هدف

کلی برنامه ریزی فضایی، سازماندهی فضای سرزمین در عین بهره‌برداری خردمندانه از آن در راستای چشم انداز بلند مدت توسعه در ابعاد و مقیاس های گوناگون می باشد (زیاری، ۱۳۸۹، ۲۲).



شکل ۱: حلقه ارتباط سطوح خرد و کلان در برنامه ریزی فضایی (منبع: راج^۱ و همکاران، ۲۰۰۱: ۲۰). دهه های اخیر در پی گسترش حوزه برنامه ریزی و ارتقاء ظرفیت های علمی و عملی آن شاهد ظهور رویکردهای جدید برنامه ریزی فضایی در سطح ملی، منطقه ای و محلی بوده است (آلبرتز^۲ و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۱۳). در این راستا برنامه ریزی استراتژیک فضایی یا برنامه ریزی فضایی استراتژیک در نتیجه تغییر اولویت های سیاسی، افزایش توقعات و نابرابری های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی بوجود آمده، ظهور کرده است (اشمیت^۳، ۲۰۰۹: ۱۹۱۰). بر این اساس برنامه ریزی استراتژیک فضایی به عنوان فرایندی مداوم تعریف شده است که یک چارچوب ارجاعی برای تصمیماتی که متعاقب اجرای آن در پیش است، تهیه می نماید (فالودی^۴، ۲۰۰۰: ۳۰۳). همچنین برنامه ریزی استراتژیک در جایگاهی که بالاترین سطح از فعالیت های مدیریتی است، می تواند به

1. Rauch
2. Albrechts
3. Schmidt
4. Faludi

مثابه جمع بندی تصمیم گیری ها برای تعریف فعالیت های بلند مدت در نظر گرفته شود (یوکسل و داغدویرن^۱، ۲۰۰۷: ۳۳۶۴). نکته کلیدی مفهوم برنامه ریزی فضایی استراتژیک آن است که این رویکرد بر روی توسعه دیدگاههای یکپارچه و هماهنگ در سطوح فضایی، تاکید دارد (آدامز^۲ و همکاران، ۲۰۰۶: ۸). از این رو برنامه ریزان و سیاستمداران، عموماً فرایند برنامه ریزی استراتژیک را به عنوان وسیله ای برای توسعه ناحیه ای و منطقه ای در نظر می گیرند (ترادوس و آلمونادیس^۳، ۲۰۰۷: ۱۲۷۶).

درهم تنیدگی و پیوستگی نواحی شهری و روستایی

شهر و روستا در گهواره ناحیه همزیست و هم بسترنند، از سویی زایش، رشد و تکامل آنها دور از تأثیرات ناحیه ای نیست و از سوی دیگر با تأثیرات متقابل، تنش هایی به یکدیگر وارد می کنند (فرید، ۱۳۸۸: ۶). اگر هر ناحیه را به عنوان یک سیستم کلان و شهرها و روستاهای آن را اجزای اصلی آن فرض کنیم، بین این اجزا روابط و تعاملات گوناگونی وجود خواهد داشت که از تأثیر گذارترین عوامل درونی ناحیه به شمار می روند. بطوریکه سازمان فضایی ناحیه تا حدود زیادی تحت تأثیر آنها قرار می گیرد (لینچ، ۱۳۸۶: ۵۱)

امروزه تعامل فزاینده مناطق روستایی و شهری اهمیت تمایز و تفکیک بین شهر و روستا را کاهش داده است. ساکنان روستاها با سبک زندگی شهری خو گرفته اند و بین روستا و شهر در رفت و آمد هستند. صنایع به سوی روستاها حرکت می کنند. زباله های شهری منابع طبیعی روستاها را آلوده می کنند و کشاورزی به دلایل اقتصادی و محیطی در حال تبدیل به یک بخش مهم در نواحی شهری است (شنگ^۴، ۲۰۰۲: ۹). نکته مهم در اینجاست که همین حرکات منجر به تغییرات روزافزون در همه مناطق روستایی و شهری شده است و دیگر نمی توان مناطق روستایی و شهری را در مطالعات و برنامه

1. Yuksel & Pagdeviren
2. Adams
3. Terrados and Almonacid
4. sheng

ریزی‌ها به صورت جداگانه و منفک از یکدیگر مورد بررسی قرار داد؛ زیرا تعامل فزاینده مناطق روستایی و شهری، اهمیت تمایز و تفکیک بین شهر و روستا را کاهش داده است (داودی، ۲۰۰۱: ۱). به همین منوال سخن گفتن از شهر و روستا، یا شهری و روستایی به مثابه مقولاتی مجزا و معنی دار، می‌تواند مسأله ساز شود (هافتون و کانسل، ۱۳۸۸: ۱۰۲). از این رو طی دهه‌های اخیر، به دلیل وجود روابط و پیوندهای زیاد بین محیط‌های روستایی و شهری، نوعی پیوستگی میان این دو عرصه زیستی پدیدار شده است. این پیوستگی در قالبی نظام‌وار عمل می‌کند و بنابراین آنچه در یک عرصه اتفاق می‌افتد، بر عرصه دیگر اثرگذار است. در این رابطه پایداری نواحی شهری و روستایی به گونه‌ای با یکدیگر مرتبط است که بسیاری معتقدند، فهم و تعدیل فرایندهای منجر به ناپایداری در کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه که در معرض شهرنشینی شتابان قرار دارند، تنها در قالب تأکید بر نحوه و دامنه مناسبات متقابل و تعامل میان عرصه‌های روستایی و شهری قابل درک و چاره‌جویی است (سعیدی، ۱۳۸۲: ۷۴).

جدول ۱: طبقه بندی فضایی وابستگی‌های فضایی

عوامل موثر	نوع وابستگی
شبکه راهها و ارتباطات فیزیکی و اکولوژیکی	رابطه فیزیکی
جریان مواد اولیه، کالا، درآمد و سرمایه، ارتباطات تولیدی، الگوی خرید و مصرف	رابطه اقتصادی
مهاجرت موقت و دائم، رفت و آمد جهت کار	تحركات جمعیتی
ارتباطات تکنولوژیک (تلفن، اینترنت و...) جریان اطلاعات و داده، انتقال فناوری‌ها و ایده‌ها	روابط تکنولوژیک
نحوه دیدار و روابط خویشاوندی، مراسم و فعالیتهای ملی و مذهبی و...	تعاملات اجتماعی
جران انرژی، شبکه مالی و تامین اعتبار (وام)، ارتباطات آموزشی و تعلیماتی، سیستم‌های خدمات درمانی، عرضه خدمات تخصصی، فنی و تجاری، سیستم‌های حمل و نقل	رابطه در زمینه توزیع خدمات
ارتباط متقابل ساختاری، وابستگی‌های متقابل سازمانی، وابستگی‌های اداری، سیاسی	رابطه اداری

منبع: مونت جوی، ۱۹۸۹: ۲۴

در این راستا در سالیان اخیر به واسطه درک اهمیت پیوستگی فضاهای شهری و روستایی و الزامات توسعه یکپارچه آنها تحقیقات زیادی در این حوزه به عمل آمده است:

هوگس و لیتز (۱۹۹۶) در پژوهشی با عنوان «پیوندهای اقتصادی روستا- شهری کشاورزی و صنایع غذایی در ناحیه عملکردی اقتصادی لوئیزیانا مونرو» به ارزیابی پیوندهای اقتصادی بین یک هسته شهری کوچک و روستاهای پیرامونی آن پرداخته است. در این تحقیق، نقش کشاورزی به ویژه در روستاهای پیرامونی در ارتباط با اقتصاد هسته شهری اثبات شد. همچنین امکان استفاده از بخش صنایع فراوری مواد غذایی در تسهیل رشد اقتصادی روستاهای پیرامونی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان می دهد که رشد صنایع فراوری مواد غذایی با ساختار فعلی نتوانسته است موجب رشد اقتصادی سریع در نواحی پیرامونی شود.

کلی^۱ (۱۹۹۸) ضمن ارزیابی تغییرات کاربری زمین در اطراف مانیل (فیلیپین) که طبق آن زمین های زیر کشت برنج به مصارف صنعتی تغییر کاربری داده شده اند، روابط و پیوندهای شهر و روستا را تحت تأثیر تصمیم گیریهای سیاسی می داند که در سطوح ملی، منطقه ای و محلی متأثر از امور سیاسی است و چنین نتیجه می گیرد که با توجه به اینکه زمین عامل اصلی قدرت در فیلیپین به شمار می رود و با توجه به ارزش زمین های زراعی حاشیه مادر شهرهای ناحیه ای جهت مصارف صنعتی، تغییر کاربری زمین از سوی متولیان امور در راستای افزایش شهرنشینی و گسترش فعالیتهای صنعتی، روابط شهر و روستا را شدیداً متأثر ساخته است.

اوبیک و ترلین^۲ (۲۰۰۶) در گزارشی درباره روابط متقابل شهر و روستا در اروپا به بررسی این روابط در کشورهای فنلاند، فرانسه، مجارستان، هلند و اسپانیا به منظور طراحی مدلی از روابط با هدف بهبود روابط شهر و روستا پرداختند. یافته های این

1. Kelly
2. Overbeek&terlin

تحقیق نشان می دهد که برای جلوگیری از ناپایداری در چشم اندازهای روستایی لازم است طرحهای جامع روابط متقابل پایدار شهر و روستا، آمایش سرزمین بر مبنای توانهای ناحیه ای و ایجاد ساز و کارهای تامین منابع مالی به منظور مدیریت منابع طبیعی و کشاورزی تدوین گردد.

باوون (۲۰۰۷) در مقاله ای با عنوان توسعه یکپارچه روستاشهری در شهر چنگدو: از امکان تا پایداری بیان می دارد که توسعه یکپارچه روستاشهری می تواند مشکلات ساختاری ناشی از دوئل دیرینه شهر و روستا در چین را برطرف سازد. وی این مشکلات را در هشت طبقه دسته بندی می کند: ۱- فقدان برنامه ریزی یکپارچه روستاشهری؛ ۲- سیستم مدیریت اجرایی متفاوت ۳- بهتر بودن زیرساخت های نواحی شهر از پیرامون؛ ۴- سیستم تعهد خدمات عمومی نامتعادل؛ ۵- عدم پوشش سیستم ضمانت اجتماعی بر نواحی بیرون از شهر؛ ۶- منحصر بودن سیستم ثبت آمار مربوط به خانوار تنها به ثبت مهاجرت های روستاشهری؛ ۷- عدم کارایی سازمان های خودمختار اولیه و ۸- عدم تعادل بین توسعه شهری و روستایی.

کورتنی و همکاران (۲۰۰۷) در مقاله ای با عنوان «شهرهای کوچک به صورت زیر قطب در توسعه روستایی انگلیس: بررسی ارتباطات شهر و روستا با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی زیر منطقه ای»، با استفاده از اطلاعات اقتصادی- فضایی حاصل از چهار شهر کوچک در انگلیس به اندازه گیری قدرت ادغام اقتصادی شهر و پسرکرانه آن و ارزیابی اثرات نشت آن به این پسرکرانه های روستایی پرداخته است. نتایج به دست آمده حاکی از ارزش بالقوه شهر به عنوان «زیر قطب در توسعه اقتصاد محلی» است که چگونه برای پسرکرانه خود شرایط اشتغال و خدمات بانکی و مالی ارائه می دهد. ولی به نظر می رسد فعالیت های کشاورزی به عنوان پیوند اقتصادی شهر و روستا همچنان پابرجا می باشند و هنوز هم نقش مهمی در توسعه روستایی اطراف این شهرها دارند.

یولید و همکارانش (۲۰۱۰) در گزارشی با عنوان روایت های روستاشهری و روندهای فضایی در اروپا به مطالعه و آنالیز روابط شهر و روستا پرداخته اند. هدف این

مطالعه آنالیز مفاهیم روستایی و شهری است؛ به صورتی که در مطالعات علمی کلیدی و اسناد سیاست گذاری اروپایی تعریف شده اند. خروجی این مطالعه موارد زیر می باشد:

- سنتزی جامع از همه مطالعات صورت گرفته در دهه های اخیر در رابطه با مفاهیم شهری و روستایی، در محتوای روندهای فضایی معاصر در اروپا
- تعریف گرایش ها و روندهای کلیدی در مورد پویایی شهری و روستایی در اروپا

- اعتبار سنجی این روندها به وسیله متخصصان اروپایی، شامل نویسندگان اصلی درگیر با کارهای علمی اخیر در زمینه روابط شهر و روستا

بانک توسعه آسیا در سال ۲۰۱۰ پروژه ای با عنوان توسعه یکپارچه شهرستان های کلیدی ایالت لیائونینگ مرکزی در چین را رهبری و به اجرا گذاشته است. اهداف این پروژه ترویج و توسعه شهرنشینی پایدار و متعادل، کاهش شکاف بین نواحی شهری و روستایی و بهبود شرایط زندگی به وسیله حمایت از توسعه یکپارچه پنج شهرستان کلیدی در این ایالت بوده است.

توسعه یکپارچه نواحی شهری و روستایی

با توجه به پیوستگی و درهم تنیدگی روز افزون نواحی شهری و روستایی برای توسعه هماهنگ و موزون این مناطق بایستی راهبردی یکپارچه اتخاذ شود به طوریکه روند توسعه روستایی توأم با توسعه شهری در نظر گرفته شود (اوکپالا^۱، ۲۰۰۳: ۱۱۶). در این ارتباط مفهوم یکپارچگی غالباً در تقابل با مفهوم پراکندگی معنا پیدا می کند که در آن حلقه اتصال بین عناصر متشکله یک سیستم یا نظام از هم گسسته اند. بر این اساس برنامه ریزی یکپارچه در واقع توجه به همه عناصر سیستم و در نظر گرفتن ارتباطات فی مابین و بسامان نمودن پراکندگی هاست (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۵). توسعه یکپارچه

به مفهوم ارتباط منطقی بخشی، فضایی و زمانی برنامه ها در قالب برنامه ریزیهای محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی است که مشارکت فعال مردم و مدیریت واحد ناحیه ای را به دنبال دارد. دستیابی به یکپارچگی فضایی در سطح نواحی مبتنی بر شناخت نظام های متعادل فضایی، تباینات فضایی، قلمروها و سلسله مراتب فضایی است. بر این مبنا فرایند توسعه یکپارچه روستاشهری، تنظیم بهینه فعالیتهای انسان در پهنه سرزمین به مقیاس ناحیه را مد نظر قرار می دهد و شناخت و شناسایی تاثیرات متقابل سه نوع فضا را الزامی می داند:

- ۱- فضاهای فراموش شده و یا بکر
- ۲- فضاهای متروک شده و یا رها گذشته (روستاهای خالی از سکنه)
- ۳- فضاهای توسعه یافته و در حال توسعه (روستاها و شهرهای موجود) (سرور، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

در این مضمون هر یک از روستاها و شهرها به عنوان عناصر تشکیل دهنده ی یک نظام ناحیه ای محسوب می گردند که این نظام با سطوح فضایی پیرامون خود و سطوح فضایی بالاتر خود (منطقه و کشور) در تعامل بوده و نوعی یکپارچگی فضایی را به وجود می آورد (بهزاد نسب، ۱۳۸۳: ۵۴).

در این راستا رهیافت توسعه روستاشهری که جان فریدمن بنیانگذار آن است تلاشی در جهت برداشتن تصادم دیرینه شهر و روستا بوده است و نکته قابل توجه و بسیار کلیدی

آن، این است که ناحیه به صورت واحدی یکپارچه تلقی گردد. نواحی روستاشهری در این رهیافت اینگونه تعریف می گردند: نواحی که در آن تراکم روستایی حداقل ۲۰۰ نفر در کیلومتر مربع است و شهری با جمعیت ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر را در آن می توان یافت. این ناحیه در کل جمعیتی از ۵۰ تا ۱۵۰ هزار نفر را در بر می گیرد که اکثریت آنها به کشاورزی مشغولند (جمعه پور، ۱۳۸۴: ۱۰۸). روستاشهر یا شهر کشاورزی

نواحی جمعیتی هستند که چشم اندازهای شهری همراه با چشم اندازهای روستایی در آنها دیده می شود. فعالیت اقتصادی غالب این روستاها ممکن است کشاورزی باشد، ولی فعالیتهای خدماتی و گاهی صنعتی نیز در آنها رواج دارد (پاپلی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۱۲). این رویکرد ابراز می دارد که توسعه روستایی باید در پیوند با توسعه شهری در سطح محلی دنبال گردد. بنابراین ارتقای تصمیم سازیها در سطح محلی و تغییر در سیاست گذاریهای توسعه و تنوع بخشی تولیدات کشاورزی ضرورت دارد. شهرهای روستایی به عنوان محل عمده برای تولیدات غیرکشاورزی و نیز کارهای اداری و سیاسی اهمیت خاصی دارند. همچنین این نظریه بر گسترش و برنامه ریزی توسعه بر اساس عوامل محلی و ناحیه ای تأکید دارند به صورتی که روستاها و شهرها در ناحیه در یک ارتباط محلی قرار می گیرند (سلطانی، ۱۳۸۶: ۷۱).

- اصول مهمی که شالوده راهبرد توسعه روستا شهری را تشکیل می دهند عبارتند از:

- تأمین نیازهای اولیه انسانی به مثابه نخستین هدف توسعه؛
- سازماندهی توسعه با تکیه بر تقسیمات سرزمینی؛
- اهمیت یکسان با تکیه بر تقسیمات سرزمینی؛
- افزایش مداوم منابع توسعه (به ویژه منابع انسانی)؛
- کاهش نابسامانی اجتماعی در مسیر توسعه؛
- تثبیت درآمدهای روستایی و شهری و کاهش اختلاف بین آنها؛
- اتصال نواحی روستایی و شهری به شبکه ارتباطی منطقه ای از طریق بهبود کانال های ارتباطی میان نواحی روستا شهری و شهرهای بزرگتر (زیاری،

در ادامه و در سیر تکاملی این رهیافت مایک داگلاس راهبرد شبکه منطقه ای را ارائه می دهد. این راهبرد پیوندهای روستا- شهری و وابستگی های بین آنها را در هم می آمیزد و چارچوب سیاستگذاری واحدی برای توسعه و برنامه ریزی ارائه می دهد. بر اساس این راهبرد تقسیم نقاط به شهری و روستایی در عصر جدید دنیای ارتباطات و مرگ فاصله ها معنی روشنی ندارد. بلکه جریانهای مختلف کالا، نیروی انسانی، خدمات، منابع مالی و اطلاعات است که به صورت شبکه ای به فضای زندگی انسانها شکل می دهد. مایک داگلاس متجاوز از ۲۰ سال پس از مشارکت در طرح رویکرد اگروپلین، راهبرد شبکه منطقه ای را ارائه می دهد. این راهبرد قواعد و اصول به کار رفته در رویکرد اگروپلین را با جهت گیری های جدید در زمینه محیط زیست و الزامات فرایند جهانی شدن ترکیب می کند. راهبرد شبکه منطقه ای بر مبنای مدل خوشه سازی منطقه ای یا شبکه ای پایه ریزی می شود و شامل موارد زیر می باشد:

- تمام بخشهای اقتصادی از قبیل زراعی و غیر زراعی را بر حسب شرایط و امتیازات محلی در بر می گیرد. واحدهای تولیدی کوچک و متوسط و دارای مرکزیت درون منطقه ای مورد توجه ویژه قرار می گیرد.
- نقاط شهری در مدل شبکه ای، افقی و شامل چند مرکز و نقاط پیرامونی است که هریک از تخصص و مزیت نسبی مربوط به خود برخوردار است و نظام سلسله مراتبی و تک مرکزی، با تاکید بر حجم جمعیت در این مدل جایی ندارد.
- در چارچوب این مدل، زمینه های پیچیده فعالیتهای روستایی- شهری به تصویر در می آید و محرک رشد منطقه، منشأ شهری و روستایی دارد. به نواحی روستایی به صورت نقاطی منفعل و منتظر تراوش به پایین رشد شهری نگاه نمی

شود. به همین دلیل موضوع رشد حمل و نقل بین سکونتگاههای منطقه مورد توجه خاص قرار می گیرد.

- کاربرد مدل شبکه ای برای توسعه محلی، مستلزم استقرار نظام برنامه ریزی غیرمتمرکز چند سطحی است. در چارچوب این نظام یکپارچگی و یا هماهنگی چندبخشی فعالیتهای روستایی و شهری در سطح محلی مورد نظر است. از ملزومات اساسی این راهبرد، استقرار نظام برنامه ریزی غیرمتمرکز چند سطحی و نظام اداره مردمی است.

- حوزه های اصلی سیاست گذاری در قالب این مدل عبارت اند از: تنوع کشاورزی، کشت و صنعت، تولید مصنوعات از منابع محلی، ارائه خدمات شهری، تربیت نیروی انسانی و ایجاد شبکه حمل و نقل درون منطقه ای

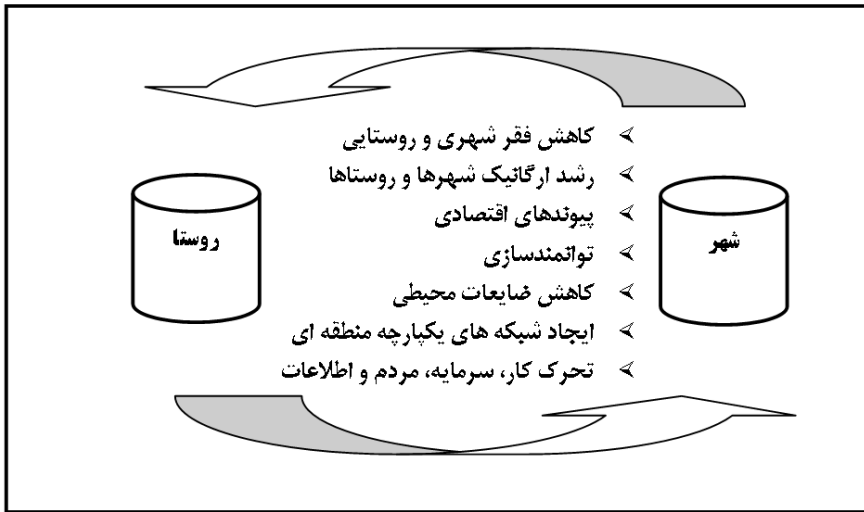
- توجه به اصل سرزمین در مقابل اصل کارکردی و مفاهیم توسعه از پایین در مقابل توسعه از بالا، از مضامین اصلی این رویکرد است (تقی زاده و صرافی، ۱۳۸۷: ۸۷).

این رویکرد بسیاری از برداشت های مرتبط با مدل های مبتنی بر نظام های برنامه ریزی از بالا به پایین نظام های متعارف برنامه ریزی شهری را به رویارویی می طلبد. از این رو، این رویکرد حاوی نگرشی نسبتاً متنوع، منعطف و جامع نگر به توسعه منطقه ای است که بر هماهنگی سازی و ادغام توسعه روستایی و توسعه شهری در مقیاس ناحیه ای و محلی استوار شده است. بدینسان، راهبرد شبکه منطقه ای بر مجموعه ای نامتمرکز و خردمندانه از دخالت سیاسی اصرار می ورزد؛ که تنوعات موجود از لحاظ برخورداری از منابع ناحیه ای، تقسیم کار بین بخش های شهری و روستایی و نیازها و توانمندی های توسعه محلی را مورد حمایت قرار دهد. در چارچوب این رویکرد جریانها اهمیتی بیش از گروهها دارند و به گروههای شهری و روستایی به طور یکسان نگریده می شود. در

چارچوب این راهبرد به جای نظامهای سلسله مراتبی، مرکب از مراکز جمعیتی واقع در سطوح مختلف و بر اساس کارکرد آن مراکز، مجموعه ای مراکز همسطح، به صورت خوشه های شبکه ای را به وجود می آورند که با سایر مراکز بر اساس فعالیتهای کلیدی در ارتباط و در معرض کنش و واکنش متقابل و دوسویه خواهد بود. این نوع برنامه ریزی با تأکید بر مطالعه و بررسی دقیق جریانهای بین مراکز مختلف شکل می گیرد. به این ترتیب، ساختار اصلی نظام فضایی اینگونه شبکه ها را جریان و به تبع آن، پیوندهایی تشکیل می دهند. در این راستا، چنانچه بتوان جریانها و پیوندهای موجود بین کانون های جمعیتی را به درستی به تصویر کشید و روند آتی جریانهای مختلف آنها را با توجه به چشم اندازهای ملی و جهانی ترسیم کرد، می توان امیدوار بود که سیاست های مناسب برای توسعه مناطق از قابلیت تدوین برخوردار گردد (سعیدی و تقی زاده، ۱۳۸۴: ۲۷).
 آمدهای فضایی ناشی از توسعه یکپارچه شهر و روستا

پیامدهای فضای ناشی از توسعه یکپارچه نواحی شهری و روستایی را می توان از دو جهت مورد بررسی قرار داد:

- ۱- تاثیرات مثبت نواحی روستایی بر شهرها: مانند ایجاد فرصت های شغلی برای نیروی کار در شهرها، عرضه کالاهای ارزان قیمت و مناسب، زمین مناسب برای ساخت و ساز، ارائه فضاهای تفریح و گذران اوقات فراغت و...
 - ۲- تاثیرات مثبت نواحی شهر بر روستاها: کاهش فقر، رونق فعالیت های کشاورزی و اقتصاد روستایی، تسهیل در فرایند صنعتی شدن نواحی روستایی، توسعه صنعت گردشگری در نواحی روستایی، توانمند سازی اجتماعات روستایی و...
- (طاهر خانی و رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۳).



شکل ۲: پیامدهای توسعه یکپارچه نواحی شهری و روستایی (منبع: طاهرخانی، و رکن الدین افتخاری ۱۳۸۳)

امروزه بسیاری از نیروی کار مورد نیاز شهرها از روستاهای دور و نزدیک تامین می شود و دیگر زندگی در روستاها محدود به محیط روستا نیست و تعامل با شهر بخشی از زندگی روزمره روستاییان شده است. یکی از پررنگ ترین و مهم ترین وجوه این تعاملات، مبادله نیروی کار بین روستاها و شهرها و به خصوص حضور نیروی کار روستایی در شهرها است. از پیامدهای اصلی این تبادل ارسال وجوه مالی توسط مهاجرین روستایی که در شهر مشغول به کار هستند، به روستاها می باشد. رگمی و تیسدل (۲۰۰۲) دریافتند که در نیال به طور متوسط ۴/۰۷ درصد، در پاکستان ۳۸ درصد و در کنیا ۱۳-۱۰ درصد از درآمد مهاجران به روستا فرستاده می شود (خراسانی، ۱۳۸۵: ۲۵). بنابراین عرصه های شهری و روستایی در تعامل با هم قابلیت آن را پیدا می کنند تا از طریق جریانها و پیوندهای مناسب اقتصادی، زمینه مطلوبی را جهت کاهش فقر بویژه در نواحی روستایی به وجود آورند. در این زمینه تجربه کشور اندونزی قابل تأمل است. از اواخر سال ۱۹۹۷ م. دولت اندونزی پیشرفت قابل توجهی در کاهش فقر روستایی از طریق اجرای برنامه های متعدد فقرزدایی داشته است. دولت اندونزی در استراتژی توسعه اخیر با همراهی «برنامه توسعه سازمان ملل UNDP» تقویت و استحکام پیوند

روستا و شهر را از طریق یکپارچه سازی فعالیتهای اقتصادی مورد توجه قرار داد (UNDP, 1999: 3).

در بسیاری از متون توسعه، تصریح شده است که کشاورزی به عنوان مخرج مشترک روابط فضایی شهر و روستا، قابلیت ایجاد فرصتهای مطلوبی در نواحی شهری و روستایی را داراست (بالترا^۱ و همکاران، ۲۰۰۲: ۳). با این توصیف می توان بیان کرد که روابط فضایی شهر و روستا قادر است از طریق بازارهای شهری و افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی موجب رونق فعالیتهای کشاورزی شود. تجربه های حاصل از کشور تانزانیا در دو بخش شمالی و جنوبی نشان می دهد که برای گروههای کم درآمد روستایی، رابطه با مراکز شهری به عنوان استراتژی بقا و برای گروههای پر درآمد به عنوان ابزاری جهت افزایش درآمد محسوب می شود (دیامت^۲، ۲۰۰۱: ۲). پیوندهای روستایی- شهری در عرصه اقتصاد ناحیه ای از یک سو در برگیرنده جریان محصولات کشاورزی و سایر تولیدات روستاییان به بازارهای شهری و از سوی دیگر، زمینه ساز جریان کالاهای صنعتی از مراکز شهری به سوی سکونتگاههای روستایی است. بر این اساس اتخاذ رویکرد توسعه یکپارچه روستاشهری منجر به توجه به هر دو محیط و در نتیجه کاستن از کمبودهای موجود و برآورده کردن احتیاجات آنها می گردد (سعیدی و عزیزپور، ۱۳۸۳: ۲۱). فنون و صنایع روستایی معمولاً ساده و دیرپا و در مقابل آن، فنون و صنایع شهری پیچیده و پویا است. سطح متفاوت دانش فنی باعث تشدید دوگانگی در عرصه های روستایی و شهری می شود این امر موجب وابستگی روستا به شهر از جنبه های متفاوت مربوط به فن آوری می شود (سعیدی، ۱۳۸۱: ۱۲۷). تحقیقات اخیر در کشور ژاپن نشان می دهد که شهرها قادرند از طریق انتقال فناوریهای جدید در روستاها موجب بهبود سطح دانش فنی نواحی روستایی شوند و روند صنعتی شدن روستاها را تسهیل کنند (موراتا^۳، ۲۰۰۲: ۱). بر این اساس صنعتی سازی روستایی

۱. Bulter

۲. Diyamett

3. Murata

فرایندی است که ابزار هایی برای متنوع کردن اقتصاد روستایی فراهم آورده و همچنین راهبردی است که فقر روستایی را کاهش داده و با توسعه صنایع، از دیدگاه اقتصاد روستایی و اقتصاد ملی (لی^۱، ۲۰۰۱: ۳)، توسعه متعادل میان خانوارهای شهری و روستایی، بخش کشاورزی و صنعت و بالاخره اقتصاد منطقه‌ای و تمرکز زدایی صنعتی و شهری را میسر می‌سازد (چویی^۲، ۲۰۰۱: ۱). در این ارتباط «هانگ و همکاران» با بررسی نقش خوشه‌های صنعتی در ناحیه روستایی در چین، بیان می‌دارند که این منطقه طی دهه‌های اخیر، به یکی از پویاترین بخش‌های خصوصی در چین تبدیل شده و بدین طریق سریع‌ترین رشد اقتصادی را داشته است. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که خوشه‌های صنعتی باعث تقسیم کار در جریان تولید شده و فرصت‌هایی برای شرکت‌های کوچک و کارآفرینان در منطقه فراهم آورده است (هانگ^۳ و همکاران، ۲۰۰۸: ۴۰۹).

روابط متقابل شهر و روستا در بروز تغییرات کاربری به عنوان یک عامل تاثیر گذار محسوب می‌شود. توسعه شهری به همراه جمعیت‌پذیری آن، نوع و تقاضای بازارهای شهری را دگرگون می‌سازد و این امر در کاربری اطراف شهرها تاثیر می‌گذارد و تقاضا برای تغییر کاربریهای کشاورزی را افزایش داده می‌دهد (ساتروایت^۴، ۲۰۰۳: ۲۰). همچنین تعاملات دو جانبه شهر و روستا می‌تواند در بروز پاره‌ای از مشکلات محیطی موثر باشد. افزایش تقاضا برای انواع کالاهای مصرفی چوبی و نیز مواد اولیه ساختمانی سبب شده است تا تخریب اراضی جنگلی، منابع طبیعی و معدنی در بسیاری از کشورها به عنوان چالش محیطی معاصر شناخته شده شود. همچنین افزایش آمد و شد از مراکز شهری به نواحی روستایی موجب پاره‌ای از مشکلات محیطی مانند آلودگی هوا و آب در بسیاری از نقاط روستایی شده است. افزایش ازدحام، نابودی حیات وحش

۱. Lee

۲. Choi

۳. Huang

۴. Satterhwaite

و اسکان و تغییر رژیم آب از مهمترین آثار محیطی حاصل از تعامل میان روستا و شهر محسوب می شود. رویکرد توسعه یکپارچه روستاشهری با نگاهی استراتژیک و فضایی موجب کاهش این اثرات منفی در هر دو عرصه می گردد (بل و ایروان^۱، ۲۰۰۲: ۲۱۷).

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

امروزه به دنبال شکل گیری دیدگاه های نوین در ارتباط با برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، موضوع روابط شهر و روستا بیش از پیش مورد توجه برنامه ریزان توسعه قرار گرفته است. زیرا برنامه ریزان توسعه بدین نتیجه رسیده اند که امروزه برنامه ریزی با تعصب شهری و یا تعصب روستایی نمی تواند جوابگوی نیازهای جوامع در فرایند چندگانه و چند بعدی توسعه باشد. بر این اساس تحقیق حاضر با نگاهی استراتژیک و رویکردی فضایی به بررسی و تحلیل توسعه یکپارچه نواحی روستایی و شهری پرداخته و ضرورت آن را در برنامه ریزی سکونتگاهی مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق گویایی آن است که جریانات روزافزون فضایی بین نواحی شهری و روستایی در عصر جدید - که با فشردگی زمان و مکان شناخته می شود- موجب در هم تنیدگی و پیوستگی فزاینده این دو عرصه زیستی شده است. به طوری که مرزهای اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و... آنها به سختی قابل تفکیک است و بیشتر به صورت یک کل یکپارچه و یک نظام زیستی مکانی- فضایی واحد نمود پیدا می کند تا دو عرصه زندگی منفک و گسسته. از این رو ضرورت توسعه یکپارچه آنها آشکار می گردد. در نهایت این تحقیق در راستای باور و تحقق هر چه بیشتر این رویکرد در نظام برنامه ریزی کشوری پیشنهادات زیر را ارائه نموده است:

➤ توجه به لزوم توجه و برنامه ریزی در قالب مطالعات ناحیه ای و خالی از تعصبات شهری و روستایی حاکم.

- توجه به برنامه ریزی استراتژیک فضایی در سطوح محلی، منطقه ای، ملی و فراملی؛ .
- حرکت به سوی ایجاد پیوندهای مکمل و سازنده روستاشهری از طریق تقویت و هدایت جریانهای های دائمی افراد، کار، سرمایه، منابع و...؛
- توسعه امکانات زیر بنایی، رفاهی، خدماتی و همچنین شبکه ارتباطات در نواحی روستایی و شهری؛
- تضمین امنیت و آسایش خیال در جابه جایی افراد، کالاهای، سرمایه ها، ایده ها و... در عرصه های فضایی، چرا که توسعه در بستری از ثبات و امنیت قابل تحقق است.

منابع

- (۱) الوانی، سیدمهدی، ۱۳۸۵، مدیریت عمومی، انتشارات سمت.
- (۲) بانک جهانی، ۱۳۸۴، راهبرد توسعه روستایی (رویکرد جدید بانک جهانی)، ترجمه: موسسه دین و اقتصاد، تهران وزارت جهاد کشاورزی، موسسه پژوهش های برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی، مدیریت امور پردازش و تنظیم یافته های تحقیقاتی، انتشارات تابان، چاپ اول.
- (۳) پاپلی یزدی، محمد حسین و حسین رجبی سناجردی، ۱۳۸۲؛ نظریه های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، دانشگاه تهران.
- (۴) پورمحمدی، محمدرضا، حسین زاده دلیر، کریم، قربانی، رسول و نادر زالی، ۱۳۸۹، مهندسی مجدد فرآیند برنامه ریزی با تاکید بر کاربرد آینده نگاری، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲۰.
- (۵) تقوایی، مسعود و سید رامین غفاری، ۱۳۸۹، برنامه ریزی فضایی در صنعت گردشگری (مطالعه موردی استان چهار محال و بختیاری، محور بازفت) فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۶.

- ۶) تقی زاده، فاطمه و مظفر صرافی، ۱۳۸۷، راهبرد شبکه منطقه ای، چارچوبی برای توسعه منطقه ای کشور، مجله پژوهشهای علوم زمین، سال اول، شماره ۱.
- ۷) جمعه پور، محمود، ۱۳۸۴، مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی؛ دیدگاهها و روشها، انتشارات سمت.
- ۸) بهزاد نسب، جانعلی، ۱۳۸۳، توسعه یکپارچه محلی رویکردی راهبردی به توسعه روستایی، مجموعه مقالات کنگره روستایی، چالش ها و چشم اندازها، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، دفتر تدوین و انتشار منابع مدیریت و برنامه ریزی.
- ۹) خراسانی، محمد امین، ۱۳۸۵، مناسبات مالی روستا- شهری و نقش آن در توسعه روستایی، نمونه مورد: دهستان عسگریه ورامین، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- ۱۰) زیاری، کرامت الله، ۱۳۸۹، اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱) سرور، رحیم، ۱۳۸۷، برنامه ریزی کاربری اراضی در طرحهای توسعه و عمران ناحیه ای، انتشارات پرهام.
- ۱۲) سعیدی، عباس و فرهاد عزیزپور، ۱۳۸۳، شبکه های ناحیه ای و توسعه محلی با تاکید بر پیوندهای روستایی- شهری، نمونه موردی: شبکه تولید شیر در ناحیه لیتکوه (آمل)، نشریه علمی- پژوهش انجمن جغرافیایی ایران.
- ۱۳) سعیدی، عباس، ۱۳۸۷، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، انتشارات سازمان دهیاریها و شهرداریها، چاپ اول.
- ۱۴) سعیدی، عباس و صدیقه حسینی حاصل، ۱۳۸۸؛ شالوده مکانیابی و استقرار روستاهای جدید، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی.
- ۱۵) سعیدی، عباس، ۱۳۸۹، محیط، فضا و توسعه، بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستاشهری، فصلنامه مسکن و محیط، شماره ۱۳۱.

- ۱۶) سعیدی، عباس، ۱۳۹۰، پویش ساختاری-کارکردی رویکردی نظاموار در مطالعات مکانی-فضایی، نشریه انجمن جغرافیا، شماره ۲۹.
- ۱۷) سعیدی، عباس و فاطمه تقی زاده، ۱۳۸۴، پیوندهای روستاشهری و توسعه منطقه ای، بررسی تطبیقی شهرستاهای باغملک و اردکان، جغرافیا(نشریه علمی و پژوهشی انجمن جغرافیدان ایران)، شماره ۶ و ۷.
- ۱۸) صدوق، سید حسن و عباس سعیدی، ۱۳۸۵، نظام فضایی به مثابه جوهره مطالعات جغرافیایی، نشریه انجمن جغرافیا، سال چهارم، شماره ۱۰ و ۱۱.
- ۱۹) طاهرخانی، مهدی و عبدالرضا رکن الدین افتخاری ۱۳۸۳، تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستای استان قزوین، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره: ۴.
- ۲۰) مرادی مسیحی، وراز؛ برنامه ریزی استراتژیک و کاربرد آن در شهرسازی ایران: نمونه موردی کلانشهر تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران: چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۲۱) مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۲، برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۲۲) معصومی اشکوری، سید حسن، ۱۳۸۸، اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای، نشر پیام.
- ۲۳) ملک افضل، علی اصغر؛ انتخاب استراتژیک در برنامه ریزی شهری: پیشینه تاریخی - مبانی نظری، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۲۴) مهدیزاده، جواد؛ برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری تجربیات جهانی و جایگاه آن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- ۲۵) نجف بیگی، رضا، ۱۳۸۵، سازمان و مدیریت، نشر دانشگاه آزاد اسلامی. مرکز انتشارات علمی.
- ۲۶) نسترن، مهین و سپیده هوشمندفر، ۱۳۸۹، برنامه ریزی استراتژیک جهت ساماندهی قسمتی از بافت فرسوده شهر ارومیه، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول، شماره ۳.

۲۷) هافتون، گراهام و دیوید کانسل، ۱۳۸۸، مناطق، راهبردهای فضایی و توسعه پایدار، ترجمه عارف اقوامی مقدم، انتشارات آذرخش. چاپ دوم.

- 28) Adams, N., Alden, J. & Harris, N. (2006a) Introduction: Regional Development and Spatial Planning in an Enlarged European Union, in Adams, N., Alden, J. & Harris, N. (eds) Regional Development and Spatial Planning in an Enlarged European Union, Aldershot: Ashgate, 3-16.
- 29) Albrechts, L., Healey, P. & Kunzmann, K. R. (2003) Strategic Spatial Planning and Regional Governance in Europe, Journal of the American Planning Association, 69, (2), 113.
- 30) Asian Development Bank , 2010, Integrated Development of Key Townships in Central Liaoning Project Number: 44021.
- 31) Bell.P.Kathleen&G.Eena Irwin,2002, Spatially explicit micro-level modeling of land use change at the rural- urban interface, Agriculture Economic, vol .27.
- 32) Bulter, Lorma Michel and et al,2002, rural-urban interdependency and the future of agriculture, Iowa state Univercity.
- 33) Choi, H.S, 2001. "Rural Industrialization through science and technology", Institute of industrial science and technology, korea.
- 34) Courtney .Paul, Lucy Mayfield, Richard Tranter, Philip Jones, Andrew Errington, 2007,Small towns as 'sub-poles' in English rural development:Investigating rural-urban linkages using sub-regionalsocial accounting matrices, Geoforum 38 ,1219-1232.
- 35) Diyamrtt, Bitrins and et.ac , 2001, Working paper series on rural-urban interactions and Livelihood strategies, The Case of Himo and Its Region, Northern Tansanian
- 36) Davoudi. S, 2001, ESPRID. Short sumory, Key Phrase: rural-urban Relationship, Univerity of Newcastle upon type.
- 37) Faludi, A. (2000) The Performance of Spatial Planning, Planning Practice and Research, 15, (4), 299-318
- 38) Farhoodi, R., Gharakhlou, M., Ghadami, M., PanahandehKhah, M.,2009. A critique of the prevailing Comprehensive Urban

- Planning Paradigm in Iran , The Need for strategic Planning, Planning Theory, Vol 8, 335-361.
- 39) Hughes, David. Litz, vaneska, 1996, Rural – Urban Economic Linkages for Agriculture and Food Processing in the Mpnroe, Louisiana, Functional Economic Area, gournal of Agriculture and Applied Economic, pp 237-355.
- 40) Lee.D,2001,,"Diversification of the rural economy: A case study of on rural industrialization in the Republic Korea", japan program/INDES 2001, Confrence -japan.
- 41) Kelly, Philipe F.1998, The Pilitiecs of urban- rural relation: Land use converoin in the Philipines, Environment and urbanization,vo, 10, no,1.
- 42) Murata, Yasusada, 2002, Rural-Urban interdependence and industrilazation, Journal of development economies. Vol. 68.
- 43) Okpala. C.2003, Promoting the positive rural-urban linkags Approach to Sustainable Development and Employment condition, The Role of Un- HABITAT, United nation Human Sattleman Program.
- 44) Ovebeek.G and Terlin.I, 2006, Rura Area under Urban pressure, case studies of rural-urban Relationship across Europe, The huge, Agricultural Economics Research Institute(LEI), report.7.06.01.
- 45) Rauch T., Bartels M., Engel A., 2001, Regional Rural Development A regional
a. response to rural poverty, Universum Verlagsanstalt GmbH KG, Wiesbaden 2001.
- 46) RPTI(2001),A New Vision for Planning: Delivering Sustainable Communities, Settlement and Place, London, Royal town Planning Institute 27.
- 47) Satterthwaith .d and tacolicecilia, 2003:The role of small and intermediaUrban centers in Regina and Rural development , international in statute for Environmental and development, washington DC.
- 48) Schmidt, S. (2009) Land Use Planning Tools and Institutional Change in Germany: Recent Developments in Local and Regional Planning, European Planning Studies, 17, (12), 1907-1921.

- 49) Sheng. Yap kioe, 2002, poverty alleviation throth rural-urban linkages; policy implications, Econionomic and Social commission for Asia and Pacific(ESCAP).
- 50) Terrados, I and Almonacid, G, 2007, Regional Energy planning through SWOT Analysis and Strategic planning Tools: Impact on Renewables Development, , Journal of Renewable and Sustainable Energy Reviews, pp.1275-1287.
- 51) Ulied.A, Biosca.O and, Rafael Rodrigo, 2010, Urban and rural narratives and spatial development trends: State of the Question, Commissioned by: Ministry of Environment, and Rural and Marine Affairs. Mcrit SL, Barcelona, Spain.
- 52) UNDP,1999, Povrty all evation throth rural – urban linkages imllenmentation phase, Progec of the Government of Indonesia.
- 53) Yuksel Hasman an metin Pagdeviren., 2007, Using The Analytic Network Process(ANP) in a SWOT Analysis , A Case Study for a Textil firm, Journal of Information Sciences, Vol. 1VV.Issue 16.Agu., 3364-3382.